

تسهیم دانش و سواد اطلاعاتی: با مروری بر وضعیت مطالعه دانشجویان دانشگاه علوم انتظامی

تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۰۶/۱۰
تاریخ اصلاح: ۱۳۹۰/۰۲/۲۵
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۰۳/۱۸

ناهدید حسینی^۱ و محمد پوراسدی^۲

چکیده

زمینه و هدف: فرهنگ علمی فرهنگی جهانی و میل به دانش از نیازهای اساسی انسان است. در تقسیم‌بندی دانش، کتاب، دانش آشکار و مکتوب و نرخ مطالعه و آمار کتاب‌خوانی از عوامل مهم توسعه انسانی و سواد اطلاعاتی جوامع است. این مطالعه در حوزه مدیریت و تسهیم دانش و با توجه به سواد اطلاعاتی منابع انسانی سازمانی و با هدف بررسی میزان و چگونگی مطالعه دانشجویان پلیس و عوامل مؤثر بر آن انجام شده است. روش: این تحقیق از نوع پیمایشی بوده و داده‌های آن به کمک ابزار پرسشنامه جمع‌آوری شده‌اند. جامعه تحقیق را دانشجویان دانشگاه علوم انتظامی تشکیل داده و حجم نمونه با فرمول کوکران ۳۲۱ نفر برآورد و این تعداد از طریق نمونه‌گیری سهمیه‌ای به طور تصادفی انتخاب شدند. یافته‌ها: براساس یافته‌های تحقیق ۸۰٪ پاسخگویان علاقه زیاد و یا بسیار زیاد به مطالعه دارند. اما ۵۶٪ آنان کمتر از یک ساعت در طول شبانه روز مطالعه می‌کنند. مطالعه ۴۷٪ درسی و ۵۲٪ غیردرسی است. ۴۳٪ زمان مطالعه غیردرسی مجله و روزنامه و ۲۳٪ کتاب می‌خوانند. پاسخگویان به‌طور میانگین در طول یک سال ۹ کتاب و از نوع علمی و داستانی مطالعه می‌کنند. نتیجه‌گیری: افزایش مقطع تحصیلی در دانشجویان مصوب افزایش مطالعه درسی و در دانشجویان فراگیر افزایش مطالعه غیر درسی را نشان می‌دهد. فشرده‌بودن کلاس‌های آموزشی (۸۴٪)، تمرینات نظامی (۹۲٪)، سخت‌گیری فرماندهان و مسئولان (۶۱٪) عوامل مهم کاهش مطالعه دانشجویان است. برنامه‌ریزی دقیق‌تر در کلاس‌های آموزشی و تمرینات نظامی برای داشتن ساعت فراغت بیشتر دانشجویان در اولویت کارها برای افزایش مطالعه دانشجویان می‌باشد.

کلیدواژه:

مدیریت دانش Knowledge management، دانش Knowledge، سواد اطلاعاتی Information literacy، مطالعه Studying، کتابخانه Library، دانشگاه علوم انتظامی (IRIPU) IRI Police University.

□ استناد: حسینی، ناهدید، پوراسدی، محمد (۱۳۹۰، بهار). تسهیم دانش و سواد اطلاعاتی: با مروری بر وضعیت مطالعه دانشجویان دانشگاه علوم انتظامی. فصلنامه مطالعات مدیریت انتظامی، ۶(۱)، ۷۷-۹۴.

۱. کارشناس ارشد جامعه‌شناسی، عضو هیئت علمی معاونت آموزش ناجا - تلفن: ۰۲۱۴۸۹۳۱۲۹۳، ۰۷۱۱۳، ۰۹۳۹۲۰۰۷۱۱۳، n.hosseini1001@yahoo.com

۲. دانشجوی دکتری مدیریت منابع انسانی دانشگاه علامه طباطبایی
www.SID.ir

مقدمه

مدیریت دانش واژه نام آشنا برای سازمان‌های پیشرو است که از دهه ۱۹۹۰ تاکنون مطرح شده است. دانش به عنوان یک منبع ارزشمند در کنار منابعی که قبلاً در اقتصاد مورد توجه بوده‌اند (زمین، کار، سرمایه) به عنوان یک دارایی پرمایه مطرح می‌باشد (افرازه، ۱۳۸۴، ص ۲) اما دانش واقعاً زمانی منشأ قدرت است که به طور اثربخش مدیریت شود، در عصری که تنها مزیت پایدار سازمان‌ها عبارت است از آن چه می‌دانند و این که با چه سرعتی دانسته‌هایشان را به کار می‌گیرند (کوهن، جیمز، مارچ و اولسن، ۱۹۹۸). مؤسسات آموزش عالی و دانشگاه‌ها از جمله سازمان‌هایی هستند که پیوند اجتناب ناپذیر با علم و دانش، ایجاد و اشاعه آن دارد. امروزه در عصر جهانی‌شدن، برای سیاست‌گذاران، مدیران و حتی شهروندان عادی، یادگیری جمعی، تسهیم دانش و ایجاد شبکه‌های نهادینه فراتر از مرز سرزمین‌ها، به موضوعی بسیار با اهمیت تبدیل شده است (اسمیت، ۲۰۰۰).

سواد، مطالعه و سواد اطلاعاتی در جوامع امروزی مهم و از شاخص‌های اساسی توجه به مدیریت دانش و به‌ویژه دانش آشکار است. برای آماده‌سازی و آموزش بهتر پلیس و ارتقای سواد اطلاعاتی کارهای زیادی می‌توان انجام داد. اما در هر صورت خواندن و مطالعه را برای افزایش اطلاعات و دانش پلیس به عنوان یکی از روش‌های آموزش نمی‌توان فراموش کرد. ابعاد دانش پلیس شامل دانش اجرایی، نظارتی، حقوقی، عملی و تحلیلی است (گاتچالک، ۱۳۸۸، ص ۲۸۴).

پلیس علمی چگونه ایجاد خواهد شد اگر به دانش روز آگاه و از آن بهره‌مند نباشد. تمامی آموزش‌های کلاسیک و یا ضمن خدمت در سایه مطالعه و خواندن و یادگیری امکان‌پذیر است. سازمان‌هایی که اطلاعات‌مدار هستند از جمله مراکز تحقیقات و مطالعات و آموزش و مراکز دانشگاهی بیش از سایر سازمان‌ها به مهارت‌های سواد اطلاعاتی نیاز دارند.

در این مطالعه دانشگاه علوم انتظامی به‌عنوان تنها مرکز آموزش عالی سازمان پلیس انتخاب شد تا در فرآیندی از مدیریت دانش و در حوزه سواد اطلاعاتی میزان توجه دانشجویان به دانش و به ویژه دانش آشکار و به‌طور واضح‌تر میزان توجه به کتاب و آثار چاپی که می‌تواند در اشاعه دانش مفید باشد مورد بررسی بیشتر قرار گیرد.

اگر چه میزان مطالعه برای دانشجویان پلیس برگرفته از سرانه مطالعه در کشور است، اما می‌توان در این مجال وضعیت موجود را برای ایجاد فضای مطلوب‌تر و توجه بیشتر آنان به مطالعه مورد سنجش قرار داد.

مدیریت دانش: در عصر حاضر اهمیت دانش به اندازه‌ای است که سازمان‌ها و شرکت‌های بزرگ از آن

به‌مثابه مهم‌ترین سرمایه یاد می‌کنند. مدیریت دانش در یک سازمان متشکل از راهبردها و فرآیندهایی است که قادرند نیازهای دانش کل سازمان، مشتریان و کارکنان را برآورده سازند. بسیاری از سازمان‌ها گمان می‌کنند تنها با به‌کارگیری فناوری و نرم‌افزارهای اطلاعاتی و ارتباطی به مدیریت دانش دست می‌یابند. اما تجربه نشان‌دهنده است تا زمانی که افراد یک سازمان در لوای بسترسازی فرهنگ مناسب به اشتراک گذاشتن دانش ترغیب نشوند، در عمل چندان به پیاده‌سازی مدیریت دانش موفق نخواهند بود. تغییر اساسی فرهنگ و رفتار سازمانی یکی از ارکان اصلی مدیریت دانش است (باواخانی، ۱۳۸۸، ص ۱۴). با توجه به مباحث پیشین می‌توان مدیریت دانش را این‌گونه تعریف کرد:

مدیریت دانش فرآیند ایجاد، تایید، ارائه و توزیع و کاربرد دانش است. این پنج عامل در حوزه مدیریت دانش برای یک سازمان زمینه، آموزش، بازخورد، آموزش مجدد و یا حذف آموزش را فراهم می‌آورد که معمولاً برای ایجاد و نگهداری و احیا قابلیت‌های سازمان مورد نیاز است (ایران‌شاهی، ۷۹).

در تعریفی دیگر از مدیریت دانش فرآیند ایجاد، جمع‌آوری، سازماندهی، انتشار و بهره‌برداری از دانش است. مدیریت دانش بر این‌مبنا که سازمان‌ها حجم بالایی از داده‌ها را در خود دارند استوار است. این داده‌ها شامل گزارش‌ها، داده‌های مالی، اطلاعات ملموس و ... می‌باشند و سازمان‌ها معمولاً برای سازماندهی داده‌های نامنظم و تبدیل آن‌ها به اطلاعات مکانیزم‌های مختلفی دارند (باقی، ۱۳۸۱، ص ۱). توانایی یک سازمان در استفاده از سرمایه معنوی (تجربه و دانش فردی نزد هر فرد) و دانش دسته جمعی به منظور دستیابی به اهداف خود از طریق فرآیندی شامل تولید دانش، تسهیم دانش و استفاده از آن به کمک فناوری و اصول مدیریت دانش شامل توسعه، اجرا و نگهداری زیرساخت‌های فنی و سازمانی به عنوان بستر و الزام انتشار دانش و انتخاب فناوری‌های خاص است. در هر سازمان، دانش از تمام منابع موجود از قبیل کارکنان، سیستم‌ها، بانک‌های اطلاعاتی، مستندات روی میزها و پرونده‌های بایگانی جمع‌آوری می‌شود. تمام دانش جمع‌آوری شده در ساختارهای مناسبی دسته‌بندی می‌شوند. این دانش به سرعت و به راه‌های مختلف بین آن‌هایی که در سازمان به آن نیاز دارند قابل توزیع است. دانش مناسب و صحیح نزد افراد یا سیستم مناسب و در زمان مناسب قرار می‌گیرد (نوروزیان، ۱۳۸۴).

تعریف دانش: دانش درک، آگاهی یا شناختی است که در خلال مطالعه، تحقیق، مشاهده یا تجربه و در طول زمان نسبت به جهان بیرونی در فرد ایجاد می‌شود و یک گام بعد از اطلاعات قرار دارد. دانش متکی بر اطلاعات است و امروزه اگر به دانش توجه بیشتری می‌شود به دلیل تولید زیاد و گسترده اطلاعات است که برای غلبه، کنترل و استفاده صحیح از آن راهی جز تبدیل آن به دانش نیست (یمین فیروز، ۱۳۸۷، ص ۵۳).

مدیریت دانش فرآیند ایجاد، تایید، ارائه و توزیع و کاربرد دانش است. این پنج عامل در حوزه مدیریت دانش برای یک سازمان زمینه، آموزش، بازخورد، آموزش مجدد و یا حذف آموزش را فراهم می‌آورد که معمولاً برای ایجاد، نگهداری و احیا قابلیت‌های سازمان مورد نیاز است (ایرانشاهی، ۷۹).

سلسله مراتب دانش: در سلسله مراتب دانش چهار مرحله وجود دارد (موری، ۲۰۰۳):

داده ← اطلاعات ← دانش ← حکمت

داده: حقایق دانسته شده‌ای است که به صورت آشکار از جهان خارج استخراج شده است و بیانگر مشاهدات یا واقعات است.

اطلاعات: از قرار دادن داده‌ها در یک بافت معنادار حاصل می‌شود و اغلب به صورت یک پیام است. دانش: اطلاعات زمانی به دانش تبدیل می‌شود که از آن برای رسیدن به بازده بیشتر، ارزش افزوده یا خلق ارزش استفاده شود.

حکمت: از ارتباطات میان دانش‌های مختلف، حکمت تشکیل می‌شود.

سطوح مدیریت دانش: مدیریت دانش در دو سطح راهبردی و عملیاتی قابل بررسی است:

سطح راهبردی: به تعیین هدف‌های دانش سازمان فاکتورهای موفقیت می‌پردازد.

سطح عملیاتی برای تحقق اجرا و پیاده‌سازی هدف‌ها و طرح‌های مختلف مدیریت دانش که عبارتند از: شناسایی دانش، آشکارسازی دانش، کسب دانش، تولید دانش، استفاده از دانش و ارزیابی دانش تمرکز دارد (افرازه، ۱۳۸۴، ص ۲).

دانش و طبقات دانش: بسیاری از محققان سعی کرده‌اند که طبقات و ابعاد دانش را تعریف نمایند. نوناکا - تاکوچی، محقق ژاپنی، دو نوع دانش (دانش غیرآشکار/ضمنی، دانش هویدا/آشکار) را که تأثیرات متقابل بر یکدیگر دارند را مورد توجه قرار می‌دهد (افرازه، ۱۳۸۴، ص ۶). تقسیم‌بندی دانش به دو دسته آشکار (از طریق حروف و اعداد و به صورت داده، قانون علمی، جزئیات، کتاب‌های راهنما) و ضمنی (دریافت‌های درونی و ذهنی، ادراکات و احساسات) است. در طبقه‌بندی دیگر می‌توان آن را براساس سطح دشواری به سه گروه پایه، پیشرفته و خلاقانه تقسیم کرد. دانش پایه حداقل حدود و سطح دانش مورد نیاز برای انجام فعالیت‌های روزانه است، در حالی که دانش پیشرفته باعث می‌شود سازمان در حالتی رقابتی به خود اتکایی برسد و دانش خلاقانه دانشی است که سازمان را قادر می‌سازد صنعت و رقبای خود را هدایت کند (گاتچالک، ۱۳۸۸، ص ۷۵).

به عنوان مثال برای یک دانشجوی رشته تخصصی پلیس، دانش پایه یعنی اینکه در ترم مورد نظر چه واحدهایی را باید بگذرانند و کلاس‌ها و سخنرانی‌های مربوط به رشته وی کی و در کجا برگزار می‌شود اما

در دو سطح دیگر دانش، موجب بالندگی خود و سازمان متبوعش می‌شود. برای طبقه بندی دانش دو بعد مطرح شده است، اولین بُعد مسئله دانستن فرد و دومین بعد مسئله وقوف فرد به این دانستن است. این دو بُعد در شکل زیر نشان داده شده است. من می‌توانم دانش داشته باشم (من می‌دانم) یا نداشته باشم (من نمی‌دانم) من می‌توانم به این دانستن آگاهی داشته باشم (من این را می‌دانم) یا نداشته باشم (من این را نمی‌دانم) (گاتچالک، ۱۳۸۸، ص ۸۳).

نمودار ۱. ابعاد دانش فردی*

من نمی‌دانم	من می‌دانم که می‌دانم	من نمی‌دانم که می‌دانم
من می‌دانم	من می‌دانم که نمی‌دانم	من نمی‌دانم که نمی‌دانم
	من این را می‌دانم	من این را نمی‌دانم

* به نقل از: گاتچالک، ۱۳۸۸، ص ۸۳

از منظر دیگر دانش سازمانی به دو دسته دانش رسمی و غیررسمی تقسیم می‌شود. دستاوردهای کارکنان دانشی که به صورت گزارش‌ها، اوراق، طرح‌ها، برنامه‌ها، یادداشت‌ها، و غیره ایجاد و نگهداری می‌شود، دانش رسمی سازمان را تشکیل می‌دهد. سازمان‌های دانشی به آسانی و به صورت مرتب دانش رسمی را گردآوری و نگهداری می‌کنند و به‌عنوان حافظه سازمانی به آن اطمینان دارند.

نوع دیگر دانش سازمانی، دانشی است که در فرآیند ایجاد نتایج رسمی نقش دارد و در واقع زمینه‌ساز و زیربنای دانش رسمی سازمان است. این نوع دانش در قالب ایده‌ها، واقعیت‌ها، مفروضات فهم‌ها، پرسش‌ها، تصمیم‌ها، حدس و گمان‌ها، داستان‌ها و دیدگاه‌ها عینیت می‌یابد (جعفری‌مقدم، ۱۳۸۱، ص ۸۴).

اما براساس مطالعات انجام‌شده در حوزه مدیریت دانش، مدیران دو سوم اطلاعات و دانش خود را از طریق مراجعه به نوشته‌ها و مدارک به‌دست می‌آورند. اکثر کارکنان سازمان‌ها در صورت نیاز به نظر کارشناسی در موضوعی خاص با محدود کسانی مشورت می‌کنند که از تجربه و دانش کافی برخوردارند (داورپناه، ۱۳۸۲، ص ۵).

♦ انواع دانش مورد نیاز پلیس: گاتچالک (۱۳۸۸) دانشی که پلیس آن را به کار می‌گیرد را به پنج دسته تقسیم می‌کند:

♦ دانش اجرایی، دانش مربوط به نحوه انجام تحقیقات، ادارات، خدمات، مکان‌ها، لباس‌های فرم، بودجه‌ها و آمارها؛

♦ دانش نظارتی، دانش مربوط به اقدامات، رفتار، روش‌ها و قوانین؛

♦ دانش حقوقی، دانش مربوط به حقوق و قوانین دادگاه؛

♦ دانش عملی، دانش مربوط به مدارک جرم و حقوق مظنونین؛

♦ دانش تحلیلی، دانش مربوط به رفتار تحقیق شامل سبک تفکر تحقیقی (ص ۲۴۸).

هم‌چنین تصمیم‌گیرندگان سازمان پلیس به‌طور فزاینده‌ای دریافته‌اند که پلیس نیازمند فراگیری مهارت‌های روابط انسانی است که این مهارت شامل اشکال مختلف برقراری ارتباط مؤثر است (مقدم، ۱۳۸۵، ص ۲۵).

علم، آموزش عالی و دانشگاه: با استقرار علوم جدید در دانشگاه‌ها محتوای هدف دانشگاه نیز تغییر کرد. در حالی که در گذشته همانند دوره‌های ابتدایی و متوسطه هدف دانشگاه تدریس بود، به‌تدریج هدف دانشگاه راهنمایی افراد در جستجوی دانش جدید تلقی گردید.

اعم از اینکه دانشجو در یک دانشگاه بزرگ به تحصیل بپردازد و یا در یک موسسه آموزش عالی کوچک، بی‌تردید محیط آموزش عالی افق ذهنی او را گسترده‌تر می‌کند و در نظام پیش‌داوری‌ها و نگرش‌های اجتماعی دانشجو، دگرگونی‌هایی به وجود می‌آورد (محسنی، ۱۳۷۲، ص ۱۱۹).

دانشگاه‌ها با داشتن اهداف مهمی از جمله انتقال معلومات و دانش، انتقال اطلاعات، تربیت افراد اندیشمند و اهل علم و همچنین اشاعه تحقیق، پژوهش برای کشف مسائل و توسعه مرزهای دانش تا چقدر توانسته‌اند روی آوردن به مطالعه و در حقیقت مراجعه و اشاعه دانش آشکار را رواج دهند و انگیزه شناخت و دانستن و دانش پایه و یا خلاقانه را در دانشجویان ارتقاء بخشند. نظام دانشگاهی همواره ممکن است نتواند چنان‌که از آن انتظار می‌رود به گسترش علم در جامعه بپردازد (محسنی، ۱۳۷۲، ص ۱۲۲).

♦ جایگاه کتاب و مطالعه در مدیریت دانش: در چارچوب اهداف مدیریت دانش، سرمایه انسانی از

سه نوع دانش تشکیل شده است: دانش تلویحی، دانش پنهان، دانش آشکار.

♦ دانش تلویحی دانشی عمیق در ضمیر ناخودآگاه است. بنابراین توصیف آن برای دیگران مشکل است.

مثل استنباط متخصصان در تشخیص بیماری؛

♦ دانش پنهان همانند دانش تلویحی معمولاً به وسیله متخصصان کنترل می‌شود. هر چند بر خلاف دانش

تلویحی، دانش پنهان می‌تواند از افراد متخصص استخراج شود؛

♦ دانش آشکار به آسانی می‌تواند از یک فرد به فرد دیگر از طریق ارتباطات شفاهی و یا نوشتاری

منتقل شود. بر خلاف دانش تلویحی یا پنهان دانش آشکار اغلب در یک کتاب یا دستورالعمل می‌تواند

دریافت شود (برگرن، ۱۳۸۶، ص ۲۵).

نمودار ۲. تبدیل دانش بین شکل‌های نهان و آشکار*

نهان به آشکار (بیرونی‌سازی) مانند گفتگوی درون گروه، پاسخ به پرسش‌ها	نهان به نهان (اجتماعی کردن) مانند نشست‌ها و مباحثات یک گروه
آشکار به آشکار (ترکیب) مانند ارسال گزارش از طریق پست الکترونیکی	آشکار به نهان (درونی‌سازی) مانند آموختن از طریق خواندن/شنیدن گزارش

*به‌نقل از: افرازه، ۱۳۸۴.

نونا کاواچی (۱۹۹۵) جریان تبدیل دانش پنهان به دانش آشکار را به‌صورت مدل در قالب چهار فرآیند به صورت زیر بیان می‌کند (دوستار و کریمی، ۱۳۸۷، ص ۳):

۱. از دانش پنهان به دانش پنهان: افرادی که از نظر هنجارهای اجتماعی همدیگر را قبول دارند، گاهی دانش پنهان خود را به‌صورت مستقیم با یکدیگر در میان می‌گذارند؛
۲. از دانش پنهان به دانش آشکار: مانند آنچه که فرد در یک کارگاه از دارنده دانش پنهان می‌آموزد (استاد - شاگردی) و آن را به‌صورت یک گزارش مکتوب در می‌آورد، به آن انتشار دانش می‌گویند؛
۳. از دانش آشکار به دانش آشکار: این مدل به گسترش دانش آشکار جدید نمی‌انجامد. در این نوع فرد دو یا چند گزارش مکتوب جدید را با همدیگر ترکیب و با کنار هم قرار دادن آن‌ها، به یک دانش جدید دست می‌یابد که به آن ترکیب دانش می‌گویند؛
۴. از دانش آشکار به دانش پنهان: فرد از طریق یادگیری دانش آشکار که در سازمان به کار می‌برد به‌منظور بهینه‌سازی عملکرد خود برای گسترش دانش پنهان خود استفاده می‌کند که به آن درونی‌سازی دانش می‌گویند.

توسعه انسانی، سواد و سواد اطلاعاتی: در حاشیه نظریاتی که در حوزه تقسیم‌بندی دانش انسانی ارائه شد شاخص توسعه انسانی نیز قابل توجه است.

شاخص توسعه انسانی^۱ یا به اختصار HDI از سال ۱۹۹۱ میلادی توسط برنامه توسعه سازمان ملل متحد به مرحله اجرا گذاشته شده و هر ساله فهرستی از کشورهای جهان به ترتیب از بالاترین تا پایین‌ترین رتبه‌ها را در مقایسه با یکدیگر منتشر می‌کند. فاکتورهایی مانند درآمد سرانه واقعی، نرخ باسوادی، آموزش، بهداشت، تغذیه و نیز امید به زندگی در بدو تولد و از جمله نرخ باسوادی در این شاخص

1. Human Development Index (HDI)

می‌گنجد. در ایران نرخ باسوادی به ۸۷٪ رسیده است (خبرگزاری مهر، ۱۳۸۹).

اگرچه این خبرنامه مایه خشنودی است، اما سخن بر سر این است که چند درصد باسوادان و تحصیل کرده‌های دانشگاهی دارای سواد اطلاعاتی هستند.

سواد اطلاعاتی: در عصر اطلاعات و دانش، سواد بر خلاف تعریف ساده آن تنها به معنای توانایی خواندن و نوشتن نیست، بلکه مفهومی فراتر و هدف‌هایی والاتر از آن دارد. اوکسنهام و گورمن^۱ سواد را بدین مفهوم تعریف می‌کنند: مهارتی اساسی برای توانمندسازی انسان در رشد عقل، منطق، تفکر نظام‌مند و پژوهش. در واقع سواد پیش نیاز اصلی برای رشد فکری و توانایی انجام پژوهش است. بدون داشتن سواد نمی‌توان به منابع دانش بشری دست یافت و از آن‌ها برای تولید دانش نو بهره گرفت. گورمن پیشرفت تمدن بشری را وابسته به سواد و توسعه آن در توده‌های سطوح پایین جامعه می‌داند (گورمن، ۲۰۰، ص ۱۲۹).^۲ در تعریفی دیگر سواد اطلاعاتی عبارت است از توان شناسایی اطلاعات مورد نیاز، توان مکان‌یابی، استفاده از اطلاعات در حل مسائل و انجام کار (ایوانز، ۲۰۰۳).^۳ چنانچه کسی بتواند نیاز اطلاعاتی خود را تشخیص دهد، محل اطلاعات مورد نیاز خود را شناسایی کند، پس از دسترسی به اطلاعات مورد نظر از آن برای حل و گره‌گشایی مسئله و انجام کاری معین به نحوی مؤثر استفاده نماید، «باسواد اطلاعاتی» محسوب می‌شود. مهارت‌های سواد اطلاعاتی: لیندا ایوانز (۲۰۰۳) یک شخص «باسواد اطلاعاتی» را دارای شرایط زیر می‌داند:

۱. سازمان و ساختار اصلی کتابخانه یا مرکز اطلاع‌رسانی را می‌شناسد؛
۲. انواع مختلف ابزارهای دسترسی به اطلاعات در اشکال مختلف الکترونیکی، سمعی و بصری، و منابع مرجع چاپی را می‌شناسد؛
۳. نیازهای اطلاعاتی خود را تشخیص می‌دهد؛
۴. می‌تواند راهبرد مناسبی برای جستجوی خود تعیین کند، انواع منابع مورد نیاز مانند کتاب و مقالات را شناسایی می‌کند، منابع مرجع را بر می‌گزیند و از دسترس‌پذیری آن‌ها آگاه است؛
۵. محتوای اطلاعات را ارزیابی کند؛
۶. از اطلاعات به طور مناسب در کارهای تحقیقاتی استفاده می‌کند.

وضعیت مطالعه در کشورهای پیشرفته و غیرپیشرفته: اگر بپذیریم شاخص سواد و به طبع آن مطالعه از ویژگی‌های توسعه انسانی و در تسهیم دانش در زمره دانش آشکار به شمار می‌آید. در این بخش به مرور

1. Oxenham & Gorman
 2. Gorman, 2000, p. 129
 3. Evans, 2003

وضع مطالعه و سرانه آن در کشورهای مختلف می‌پردازیم.

◆ **سرانه مطالعه در کشورهای جهان:** سرانه مطالعه کتاب در دنیا به طور میانگین ۴۵ دقیقه در روز است. سرانه بالای مطالعه در کشورهای توسعه یافته‌ای نظیر ژاپن با سرانه ۹۰ دقیقه مطالعه در روز یا انگلیس با حدود ۵۵ دقیقه در روز نشان از شاخص بالای توسعه در این کشورها است. با این وجود میزان مطالعه در کشوری مثل آمریکا بسیار کم است. آمارها حاکی از آن است که آمریکایی‌ها به طور متوسط ۴ کتاب در سال می‌خوانند. در کشورهای دیگر مثل مکزیک یک کتاب، شیلی و آرژانتین ۳ کتاب در سال قید شده است. سرانه مطالعه در کشور هند ۷/۱۰ ساعت در یک هفته، تایلند ۹/۴ ساعت در هفته، چین ۰/۸ ساعت در هفته، فیلیپین ۶/۷ ساعت در هفته می‌باشد (غلامی، ۱۳۸۷).

◆ **سرانه مطالعه در کشورهای عربی:** اولین گزارش سالانه عربی در سال ۲۰۰۸ نشان از نرخ پایین مطالعه و انتشار کتاب در کشورهای عربی دارد، به گونه‌ای که براساس آمار به ازای هر ۱۲ هزار عرب تنها یک کتاب منتشر می‌شود، در حالی که این رقم در انگلیس برای هر ۵۰۰ نفر یک کتاب و در آلمان برای هر ۹۰۰ نفر یک کتاب است.

به گزارش خیرگزاری کتاب مرکز گسترش فرهنگ عربی در نشست سالانه فکر عربی طی بیانیه‌ای اعلام شد تلاش و پافشاری برای آموزش و دسترسی به کتاب در کشورهای عربی ۲۱/۸٪ است در حالی که این رقم برای کره جنوبی ۹۱٪ و برای استرالیا ۷۲٪ است. این آمار نشان می‌دهد که میانگین مطالعه در جهان عرب تنها ۴٪ میانگین کل نرخ مطالعه در انگلیس است. این تحقیق در ۱۸ کشور عربی صورت گرفته و گسترش و تعمیم آن به دیگر کشورهای عربی رقم فاجعه‌بارتری را دنبال خواهد داشت (خبرگزاری ابرار، ۱۳۸۷).

◆ **سرانه مطالعه در ایران:** در یک تقسیم بندی کلی می‌توان در باره سرانه مطالعه در ایران به دو جبهه دست یافت، یعنی کسانی که سرانه مطالعه را پایین و اسفبار می‌دانند و دسته‌ای که چنین مسئله‌ای را رد می‌کنند و معتقدند که از این جنبه در حال پیشرفتیم. هیچ کدام از طرفداران این دو جبهه تا به حال آمار دقیقی که مبتنی بر پژوهش‌های دقیق باشد به دست ندادند و البته از تلفیق آمار یکی دو شهر نمی‌توان سرانه مطالعه کل کشور را حاصل نمود. به خصوص که تهران به عنوان پایتخت، بیشترین آمار باسوادان را در خود جای داده است (کمیحانی، ۱۳۸۸).

سرانه کتاب‌خوانی در مناطقی از تهران روزانه نزدیک به یک ساعت و به صورت میانگین در کل این شهر بالاتر از ۱۵ دقیقه است (خبرگزاری مهر، ۱۳۸۸).

در بیست و سومین نمایشگاه بین‌المللی کتاب در سال ۱۳۸۹ حسینی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی،

نیز سرانه مطالعه را بدون در نظر گرفتن کتاب‌های درسی ۱۸ دقیقه در شبانه روز اعلام کرد. همه این‌ها در حالی است که ریاست سابق سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران اشعری - نیز پیش‌تر گفته بود هر شهروند ایرانی در شبانه‌روز تنها دو دقیقه از وقت خود را به خواندن کتاب اختصاص می‌دهد و در صورتی که مطالعه کتاب‌های درسی را هم در نظر بگیریم سرانه مطالعه در ایران به حدود شش دقیقه در شبانه روز می‌رسد (جام جم، ۱۳۸۹).

در این مطالعه بر آن شدیم در راستای توجه به مدیریت دانش و سواد اطلاعاتی دانشجویان پلیس وضعیت مطالعه و کتاب‌خوانی آنان را بسنجیم.

پیشینه تحقیق: در تحقیق توصیفی - تحلیلی در مورد ۱۰۰ نفر از دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی قزوین وضعیت مطالعه دانشجویان بررسی شد. براساس یافته‌ها ۴۹٪ پاسخگویان علاقه‌مند به مطالعه، ۳۱٪ آن‌ها می‌کردند که ۶۴٪ مطالعه در زمینه مواد درسی بود. ۵۴٪ دانشجویان ترجیح می‌دادند در هفته ۳ تا ۶ ساعت در منزل مطالعه کنند و تنها ۲۱٪ دانشجویان اغلب اوقات از کتابخانه استفاده می‌کردند که اکثریت آن‌ها را دانشجویان خوابگاهی تشکیل می‌دادند. ۵۷٪ دانشجویان اذعان داشتند که میزان هزینه خرید کتابشان در ماه کمتر از دو هزار تومان است (عظیمیان، ۱۳۸۷، ص ۲۵).

گروه نظرسنجی مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ای روزنامه همشهری در سال ۱۳۸۶ طبق نظرسنجی تلفنی از ۱۲۰۰ نفر از شهروندان تهرانی شامل ۶۴٪ زن و ۳۲٪ مرد (بدون احتساب ۴٪ بی‌پاسخ) دریافت که ۶۵٪ پاسخگویان کتاب می‌خوانند که از بین این گروه ۳۵٪ داستان و رمان مطالعه می‌کنند. همچنین ۳۸٪ آن‌ها بین ۱ تا ۳ کتاب در سال، ۲۶٪ بین ۳ تا ۶ کتاب در سال و ۶٪ بین ۹ تا ۱۲ کتاب در سال می‌خوانند.

از میان پاسخگویان کتاب‌خوان، ۴۹٪ کتاب‌های خود را می‌خرند، ۲۶٪ از کتابخانه و ۲۵٪ از طریق اطرافیان خود تهیه می‌کنند. دلایل پاسخگویانی که اصلاً کتاب نمی‌خوانند نداشتن وقت (۷۶٪) بی‌علاقه بودن (۲۰٪) و گرانی کتاب (۴٪) بوده است (قاضی‌زاده، ۱۳۸۶).

طبق نظرسنجی از وضعیت کتاب‌خوانی مردم تهران در تیر ۱۳۸۸ از میان ۶۰۰ نفر مردم تهران با درصد مساوی زن و مرد (۵۰٪) ۵۴٪ کتاب می‌خوانند که در مقایسه با تحقیق اردیبهشت ۸۶ مرکز تحقیقات و مطالعات رسانه‌ای همشهری که ۶۵٪ کتاب‌خوان معرفی کرده بود، تعداد افراد کتاب‌خوان کم شده است (زاغی، ۱۳۸۸).

از مجموع مطالعات پیشین چنین بر می‌آید که اکثراً در پی میزان و مقدار مطالعه و چگونگی آن در بین گروه‌های مختلف از جمله زنان، مردان، شهروندان و یا حتی دانشجویان بوده‌اند ولی به عوامل مؤثر

در کاهش و یا افزایش مطالعه به ویژه در بین دانشجویان کمتر پرداخته شده است.

روش

این پژوهش از نوع پیمایشی است. جامعه آماری آن دانشجویان مصوب کاردانی، کارشناسی، کارشناسی ناپیوسته، کارشناسی ارشد و فراگیران دوره تخصصی دانشگاه علوم انتظامی است. حجم نمونه تعداد ۳۲۱ نفر و با نمونه‌گیری سهمیه‌ای و به‌طور تصادفی انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده پرسشنامه است که در سال ۱۳۸۸ و با در نظر گرفتن اعتبار و روایی انجام شد. داده‌های پژوهش براساس طیف پنج گزینه‌ای لیکرت و آماره‌های توصیفی، آزمون کای اسکوئر و با استفاده از نرم افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

یافته‌ها

در این بخش از مطالعه، توصیف ویژگی‌های جمعیتی جامعه مورد مطالعه از جمله جنس، مقطع تحصیلی، وضعیت مطالعه پاسخگویان از جمله میزان و نوع مطالعه و میزان علاقه‌مندی و رغبت به مطالعه و مهم‌تر از همه نقش عوامل مثبت و منفی تأثیرگذار بر میزان مطالعه آنان پرداخته شده است.

جدول ۱. ویژگی‌های جمعیتی مشخصات دانشجویان مورد مطالعه

متغیر	فراوانی	درصد
جنس	مرد	۲۸۲
	زن	۳۸
مقطع تحصیلی	کاردانی	۷۵
	کارشناسی	۸۸
	کارشناسی ارشد	۱۸
	دانش آموخته	۱۴۰
		۴۳/۶۱

در توزیع وضعیت پاسخگویان تعداد ۲۸۲ نفر مرد و ۳۸ نفر زن بودند. بر این اساس حدود ۱۲٪ آنان را دانشجویان دختر و ۸۸٪ دانشجویان پسر بودند. از میان آن‌ها ۲۳٪ را کاردانی، ۲۷/۴٪ کارشناسی، حدود ۶٪ را دانشجویان کارشناسی ارشد و نزدیک به ۴۴٪ را دانش‌آموختگان تشکیل می‌دهند.

جدول ۲. وضعیت مطالعه پاسخگویان

متغیر	ساعت	فراوانی	درصد
میزان مطالعه	کمتر از ۰/۵	۹۰	۲۸
	کمتر از ۱	۸۹	۲۷/۷۲
	۱-۲	۹۳	۲۸/۹۷
	۲-۳	۲۹	۹/۳
	+۳	۲۰	۶/۲
میزان علاقه	خیلی کم	۲۲	۶/۸۵
	کم	۴۱	۱۲/۷۷
	زیاد	۱۷۳	۵۳/۸۹
	خیلی زیاد	۸۵	۲۶/۴۷
نوع مطالعه	درسی	۱۵۱	۴۸/۲
	غیردرسی	۱۶۶	۵۱/۷

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که بیش از نیمی از دانشجویان (۵۶٪) در طول شبانه روز کمتر از یک ساعت مطالعه می‌کنند. ۲۹٪ یک تا دو ساعت، ۹٪ دو تا سه ساعت و ۶٪ پاسخگویان بیشتر از سه ساعت در طول روز مطالعه دارند. همچنین ۵۴٪ پاسخگویان علاقه‌مندی زیاد و ۲۶/۵٪ بسیار زیاد را اعلام کرده‌اند. لذا بر این اساس ۸۰٪ آنان در حد زیاد و بسیار زیاد به مطالعه علاقه‌مندند و تنها ۱۸٪ آنان گزینه‌های کم و یا بسیار کم را انتخاب کرده‌اند.

گفتنی است آزمون کای اسکوئر به‌دست‌آمده (۳/۲۳) رابطه معناداری را بین مقطع تحصیلی و میزان علاقه به مطالعه و مقطع تحصیلی و میزان کتاب‌خوانی دانشجویان (۴۳/۴۷٪) را نشان می‌دهد. در حقیقت افزایش تحصیلات با علاقه‌مندی به مطالعه و اقدام به مطالعه رابطه مستقیم دارد.

تحقیق نشان داد بیشترین آمار کم خوانی در بین دانشجویان کاردانی است. ۴۸٪ دانشجویان کمتر از نیم ساعت و ۲۱٪ آنان کمتر از یک ساعت در طول شبانه روز مطالعه می‌کنند. ۲۸٪ دانشجویان کارشناسی ارشد بیش از سه ساعت و مجموعاً ۳۲٪ آنان بیشتر از دو ساعت در شبانه روز مطالعه دارند. در پاسخ به این سوال که پاسخگویان بیشتر چه نوع مطالعه‌ای دارند، ۴۷٪ پاسخگویان مطالعه درسی و ۵۲٪ آنان مطالعات غیر درسی را عنوان نموده‌اند. در طول شبانه روز ۳۷٪ پاسخگویان کمتر از نیم

ساعت و ۳۱٪ آنان کمتر از یک ساعت و ۲۲٪ یک تا دو ساعت مطالعه غیر درسی دارند. طبق یافته‌ها بیشترین مواد خواندنی غیردرسی دانشجویان ۳۳٪ کتاب، ۱۹٪ مجله، ۲۳٪ روزنامه، ۳٪ پایان‌نامه و تحقیق و ۱۷٪ دو یا سه گروه از چهار گروه فوق را مطالعه می‌کنند. بر همین اساس میانگین تعداد کتاب خوانده شده توسط پاسخگویان ۹/۳۴ و حداکثر یک دانشجو ۲۰۰ جلد کتاب بیان کرده است. ۳۱٪ پاسخگویان هیچ پاسخی به سوال مربوط به تعداد کتاب خوانده شده در طول سال نداده‌اند. با این وجود ۹٪ پاسخگویان تعداد ۱۰ کتاب و ۸٪ آنان ۵ کتاب در طول سال می‌خوانند. نوع کتاب‌های مورد علاقه دانشجویان طبق آمار به‌دست‌آمده به ترتیب کتاب‌های علمی (۱۸٪)، داستان و رمان (حدود ۱۷٪)، تخصصی (۱۰٪)، و سپس سایر حوزه‌ها از جمله علوم انسانی، علوم کامپیوتری، مذهبی و یا دو گروه و یا سه گروه از شش گروه ذکر شده می‌باشد. این موضوع تا حدود زیادی طبیعی به نظر می‌رسد چرا که دوره سنی دانشجویان مورد مطالعه عموماً یا با کنجکاوی‌های علمی و یا مسائل عاطفی و داستانی مواجه است. ۶۹٪ پاسخگویان مطالعه درسی و ۷۱٪ مطالعه غیردرسی خود را نامناسب ارزیابی می‌کنند. ۵۸٪ دانشجویان دانش آموخته بیشترین مطالعه آنان غیردرسی و در بین دانشجویان کارشناسی ارشد بیشترین رقم یعنی ۶۸٪ مربوط به مطالعات متون درسی می‌باشد. آزمون ۲۰ در جدول ۳ ارتباط معناداری را بین گروه‌های تحصیلی و نوع مطالعه آنان نشان نداده است.

جدول ۳. نقش عوامل مثبت تأثیرگذار بر مطالعه پاسخگویان (بر حسب درصد)

عوامل	بسیار مخالفم	مخالفم	موافقم	بسیار موافقم	بی نظر
امید به آینده شغلی	۲/۲	۶/۹	۳۲/۷	۵۰/۲	۸/۷
هدف و برنامه‌ریزی	۰/۶	۱/۲	۳۵/۲	۶۰/۷	۲/۲
علاقه به رشته تحصیلی	۰/۳	۴	۴۰/۸	۵۰/۵	۴/۴
فراغت کافی	۱/۹	۵/۳	۳۲/۷	۵۷	۳/۱
شناخت کتاب مناسب	۰/۶	۶/۵	۵۰/۲	۳۸/۳	۴/۴
دسترسی به کتاب	۲/۵	۶/۲	۴۲/۴	۴۳	۵/۹
فضای مناسب	۳/۱	۱۰	۴۲/۱	۳۶/۱	۸/۷
فن مطالعه و تندخوانی	۳/۴	۱۶/۲	۴۴/۵	۲۴/۹	۱۰/۹
همکاری فرماندهان و مسئولان	۱/۶	۷/۲	۳۳/۶	۴۸/۹	۸/۷

از میان پاسخگویان ۸۳٪ امید به آینده، ۹۵٪ داشتن هدف و برنامه‌ریزی در زندگی، ۹۰٪ علاقه‌مندی

به رشته تحصیلی، ۸۷٪ داشتن وقت کافی، ۸۸٪ معرفی شدن کتاب‌های مناسب، ۸۵٪ میزان دسترسی به کتاب، ۷۸٪ فضای مناسب کتابخانه، ۶۸٪ دانستن فن مطالعه و ۸۲٪ تأثیر فرماندهان و نقش آنان را در تشویق و ایجاد انگیزه برای خواندن را در مطالعه بیشتر مؤثر می‌دانند.

جدول ۴. نقش عوامل بازدارنده تأثیر گذار بر مطالعه پاسخگویان (%)

عوامل	بسیار مخالفم	مخالفم	موافقم	بسیار موافقم	بی نظر
خستگی از کلاس درس	-	-	۸/۷	۴/۸۴	۷/۷
خستگی تمرینات نظامی	-	-	۹/۱۰	۶/۸۱	۴/۷
سستی و بی‌حوصلگی	۲/۱۱	۴/۳۲	۸/۳۱	۶/۱۴	۱۰
صرف وقت با دوستان	۴/۸	۸/۳۱	۱/۳۷	۹/۱۰	۹/۱۴
گرانی کتاب	۳/۵	۹/۱۹	۳۸	۱/۲۷	۷/۹
بی‌هدفی در درس و شغل	۹/۱۰	۴/۴۲	۵/۲۱	۶/۱۵	۷/۹
سخت‌گیری فرماندهان و مسئولان	۴	۷/۲۳	۳/۲۹	۸/۳۱	۲/۱۱

بر اساس یافته‌های جدول ۴، ۹۲٪ پاسخگویان فشرده‌گی کلاس‌های درس، ۹۲٪ تعدد تمرینات نظامی و خستگی ناشی از آن، ۴۶٪ بی‌حوصلگی و کاهلی، ۴۳٪ صرف اوقات فراغت با دوستان، ۶۶٪ قیمت بالای کتاب و ۶۰٪ سخت‌گیری فرماندهان و مسئولان مستقیم را در کاهش مطالعه مؤثر می‌دانند.

بحث و نتیجه‌گیری

سواد یکی از شاخص‌های توسعه و مطالعه یکی از علائم و نشانه‌های توسعه‌یافتگی در هر کشور است. اما متأسفانه سواد در جامعه ما هنوز تا کیفی‌شدن راهی طولانی دارد. امروزه سواد گسترده‌ای فراتر از خواندن و نوشتن پیدا کرده و در حوزه مدیریت دانش سواد اطلاعاتی مطرح است که در طول زندگی و در تصمیم‌گیری‌ها به آن نیاز است. اگر چه سواد اطلاعاتی تنها منحصر به آزمایشگاه‌ها و کتابخانه‌ها نیست اما یکی از ارکان مهارت‌های مورد نیاز برای تحقیقات علمی و دانشگاهی است. در عصر حاضر که بیشتر کارها مبتنی بر اطلاعات است و از سرمایه‌های انسانی به شمار می‌آید، سازمان‌ها بر اساس دانش قدرت رقابت پیدا می‌کنند و اطلاعات به صورت کالا در آمده و سواد اطلاعاتی به عنوان یکی از ضروریات مطرح می‌شود. در تسهیم دانش به آشکار و پنهان تمامی مستندات از جمله کتاب و هر گونه موارد چاپی به

عنوان دانش آشکار و مطالعه و فراگیری آن اشاعه دانش محسوب می‌شود.

آمار مطالعه در ایران رقم پایینی را نسبت به بسیاری از کشورهای پیشرفته و توسعه یافته نشان می‌دهد و این موضوع امری مسری و فراگیر در سطوح مختلف جامعه است. زنان، مردان و حتی دانش‌آموزان و دانشجویان هر یک به نسبت از سطح پایین کتاب خوانی و مطالعه برخوردارند. دانشجویان پلیس نیز که جمعیت مورد مطالعه این تحقیق بوده‌اند، آمار قابل توجهی از این موضوع را نشان نداده‌اند.

در تحقیق حاضر ۸۰٪ پاسخگویان میزان علاقه خود را به مطالعه کتاب زیاد و خیلی زیاد اعلام کرده‌اند، اما بیش از نیمی از آنان (۵۶٪) کمتر از یک ساعت در روز مطالعه می‌کنند. براساس یافته‌های تحقیق ۴۷٪ دانشجویان ساعات مطالعه خود را مطالعه درسی و ۶۸٪ این تعداد فقط کمتر از یک ساعت مطالعه می‌کنند. طبق این یافته‌ها، ۳۳٪ دانشجویان مورد مطالعه، زمان مطالعه خود را صرف خواندن کتاب و ۴۳٪ روزنامه و مجله می‌خوانند.

به طور میانگین جامعه مورد مطالعه ۹ کتاب در طول سال اعم از کتاب‌های علمی، رمان، تخصصی و علوم انسانی مطالعه می‌کنند. ۶۹٪ پاسخگویان مطالعه درسی و ۷۱٪ مطالعه غیردرسی خود را نامناسب می‌دانند.

بیش از ۸۰٪ پاسخگویان داشتن هدف و برنامه‌ریزی در زندگی، علاقه‌مندی به رشته تحصیلی، شناخت کتاب مناسب و دسترسی به کتاب، فضای مناسب کتابخانه، همکاری فرماندهان و مسئولان، امید به آینده شغلی، و نداشتن زمان کافی و اوقات فراغت را برای دارا بودن مطالعه کتاب در زندگی و ایام تحصیل خود تأثیرگذار می‌دانند. براساس یافته تحقیق ۸۴٪ پاسخگویان فشرده بودن کلاس‌های درس، ۹۲٪ تمرینات نظامی و ۶۱٪ سختگیری فرماندهان و مسئولان مستقیم و برخی موانع و برنامه‌های اعمال شده از سوی فرماندهان را عاملی در جهت کاهش مطالعه می‌دانند.

طبق یافته تحقیق اولویت برای ۵۰٪ پاسخگویان داشتن ساعت مطالعه بیشتر و وقت کافی، ۱۸٪ فضای مناسب برای مطالعه، ۱۵٪ منابع بیشتر و دسترسی راحت‌تر به کتاب را برای افزایش مطالعه لازم و ضروری می‌دانند.

براساس آماره کای اسکوتر به دست آمده هر چه مقاطع تحصیلی بالاتر می‌رود میزان مطالعه کتاب افزایش می‌یابد. همچنین در بین مقاطع تحصیلی بالاتر، میزان مطالعه متون درسی در بین دانشجویان کارشناسی ارشد از جمله دانشجویان دوره دافوس و بین دانشجویان فراگیر دانش‌آموخته میزان مطالعه متون غیر درسی افزایش می‌یابد. لذا دانشجویان خارج از ناجا بیشتر گرایش به منابع غیردرسی دارند و دانشجویان مصوب کارشناسی ارشد احتمالاً بنا به دلیل تحقیقات کلاسی از جمله ارائه پایان‌نامه منابع

درسی و تخصصی را مطالعه می‌کنند.

پیشنهادها برای افزایش مطالعه دانشجویان: طبق یافته‌های تحقیق و براساس عوامل شناسایی شده مؤثر بر مطالعه دانشجویان در دو بخش ساختاری و فرهنگی پیشنهادهایی ارائه می‌گردد:

● بخش ساختاری:

در بخش آموزش، بازنگری در واحدهای درسی و فشرده‌سازی کلاس‌های برگزار شده و حذف و یا اختیاری نمودن دروسی که منع قانونی و تحصیلی ندارد.

نظام‌مندی در کلاس‌های تربیتی، فوق‌برنامه و دروس نظامی و کاهش کلاس‌های جبرانی برای کاهش خستگی دانشجویان و رغبت بیشتر به مطالعه آزاد.

● بخش فرهنگی:

۱. ایجاد و یا بازسازی فضاهای مناسب کتابخانه‌ای و تحقیقاتی برای مطالعه دانشجویان؛
۲. ایجاد ساعات مطالعه و کتاب‌خوانی برای حضور بیشتر دانشجویان در فضاهای کتابخانه‌ای؛
۳. ارائه منابع جدید اعم از کتاب‌های تخصصی و یا میان‌رشته‌ای و عمومی و دسترسی آسان‌تر به پایگاه‌های اینترنتی و وبسایت‌های مجاز؛
۴. توجه به نیاز دانشجویان و اخذ نظرها و پیشنهادهای آنان در خریداری و تهیه منابع اعم از کتاب، نشریات و ...؛

۵. تعامل مناسب اساتید با کتابخانه‌ها و معرفی کتاب‌های مفید از سوی اساتید به دانشجویان.
۶. استفاده از کتاب‌های الکترونیکی و پیشبرد کتابخانه‌ها به سمت کتابخانه‌های دیجیتال؛
۷. معرفی کتاب‌های جدید و پایگاه‌های اینترنتی در موضوعات مختلف از طریق مبادی ذی‌ربط و در دسترس قرار دادن آن برای دانشجوی؛
۸. برگزاری برنامه‌های نقد کتاب؛
۹. برگزاری مسابقات کتاب‌خوانی؛
۱۰. ایجاد فضایی در سایت و پورتال دانشگاه تحت عنوان «معرفی کتاب و پایگاه‌ها» و همکاری افراد و به ویژه دانشجویان علاقه‌مند برای تقویت این بخش و تشویق به موقع و مناسب دانشجویان فعال.

منابع

منابع فارسی:

افرازه، عباس (۱۳۸۴). مدیریت دانش (آشکار ضمنی) و فناوری اطلاعات. تهران: دانشگاه صنعتی امیرکبیر، دانشکده

مهندسی صنایع.

باقی، فرشته (۱۳۸۱، آذر و دی). مدیریت دانش. *نشریه صنایع الکترونیک*، شماره ۶. باواخانی، آناهیتا (۱۳۸۸، شهریور). تأثیر فرهنگ سازمانی بر مدیریت دانش: نقد کتاب. *کتاب ماه (کلیات)*، ۴-۴۷.

http://www.ketab.ir/Ketab/E_Magazine/MahFiles/K141.pdf

برگرن، برایان (۱۳۸۶). *مبانی مدیریت دانش* (سیدمحمد باقری، مترجم). تهران: موسسه تحقیقات و آموزش مدیریت.

جام جم (۱۳۸۹). *سرانه مطالعه در ایران*. برگرفته از سایت <http://jamejamonline.ir>.

جعفری قارسانی، جواد (۱۳۸۹). *عدالت ادراک‌شده از سوی کارکنان در رابطه با تعدیل نیروی انسانی و تأثیر آن بر نشر دانش سازمانی*. (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه علامه طباطبایی، تهران.

جعفری مقدم، سعید (۱۳۸۱). *فرآیند مدیریت دانش از یادگیری سازمانی*. مدیریت توسعه. شماره ۱۲.

خبرگزاری ابرار (۱۳۸۷). *کشورهای عربی و کتاب/ابرار، آیین هنر*. ۱۹ آبان ۱۳۸۷.

خبرگزاری مهر (۱۳۸۹/۰۴/۰۴). <http://aftab.ir>.

داورپناه، محمدرضا (۱۳۸۲). *مدیریت دانش، عاملی راهبردی برای توسعه سازمانی*. کتابداری و اطلاع رسانی.

دوره ۴، شماره ۴. http://www.aqlibrary.ir/index.php?module=TWArticles&file=index&func=view_publications&did=1321&pid=10

دوستار، محمد؛ کریمی، فاطمه (۱۳۸۷، آذر و دی). *مدیریت دانش: فرآیند دانش آفرینی در سازمان*. *دوماهنامه مدیریت*، سال ۱۲ (۶۷-۶۸)، ۲۷-۳۰.

رفیع پور، فرامرز (۱۳۸۳). *کندوکاوها و پنداشته‌ها*. تهران. شرکت سهامی انتشار.

زاغی، میترا (۱۳۸۸). *نظرسنجی از مردم تهران در باره کتاب*. برگرفته از سایت <http://www.hamshahrionline.ir>.

ساروخانی، باقر (۱۳۸۴). *روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی* (ج ۱ و ۲). تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

عظیمیان، جلیل (۱۳۸۷). *بررسی وضعیت مطالعه دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی قزوین*. *مجله ادراک*. سال سوم. شماره دوم.

غلامی، وجیهه (۱۳۸۷، آذر). *سرانه مطالعه در کشورهای جهان*. *روزنامه قدس*.

قاضی‌زاده هاشمی، سرورالسادات (۱۳۸۶، ۲۶ اردیبهشت). *نظرسنجی از مردم تهران در باره کتاب و کتاب‌خوانی*. برگرفته

از سایت <http://www.hamshahrionline.ir/news>.

کمیجانی، آ (۱۳۸۷). *نگاهی به وضعیت مطالعه در ایران*. برگرفته از سایت <http://www.fanavaranejavan.blogfa.com>.

۲۹ بهمن ۱۳۸۹.

گاتچالک، پیتر (۱۳۸۸). *سامانه‌های مدیریت دانش در خدمت پلیس (صدیقه نظری و مهدی نوروزی خیابانی، مترجم)*. تهران: سازمان مطالعات و تحقیقات ناجا.

گانب. دی. بات (۱۳۸۱). *پاییز و زمستان*. مدیریت دانش در سازمان‌ها: بررسی تأثیر متقابل فناوری، فنون و انسان (محمد ایرانشاهی، مترجم).. مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران. *علوم اطلاع رسانی*، دوره ۱۸، شماره ۱ و ۲، ۷۶-۸۳.

بازیابی از http://jst.irandoc.ac.ir/browse.php?a_id=173&slc_lang=fa&sid=1&ftxt=1

محسنی، منوچهر (۱۳۷۲). *مبانی جامعه‌شناسی علم*. تهران: طهوری.

محل‌الدین بناب، مهدی (۱۳۷۴). *روان‌شناسی انگیزش و هیجان*. تهران: دانا.

مقدم، علی (۱۳۸۵، زمستان). *گزینش علمی، بسترساز آموزش کارآمد در نیروی پلیس*. *دانش انتظامی*، ۸(۴)، ۹۳-۹۷.

بازیابی از http://www.sid.ir/fa/VEWSSID/J_pdf/49713860406.pdf

نوروزیان، میثم (۱۳۸۴)، اردیبهشت). کاربرد مدیریت دانش در بخش دولتی. *نشریه تدبیر، شماره ۵۶*.
 یمین فیروز، موسی (۱۳۸۲)، بهار). دانش و مدیریت دانش در سازمان‌ها. *فصلنامه کتاب، شماره ۵۳*، ۹۷-۱۰۳. بازیابی از
<http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/87617>

سایر منابع برای مطالعه بیشتر:

- Bruce, C. S. (1999). Workplace experiences of information literacy. *International Journal Of Information Management*, 19(1), 33 47..
- Cohen, M. D., March, J. G. & Olsen, J. P. (1972, March). A garbage can model of organization choice. *Administrative Science Quarterly*, 17(1), 1 25.. Retrieved from [http://links.jstor.org/sici?sici=0001-8392\(197203\)17:1<3-A1:3C1:3AAGCMOO>3E2.0.CO;3B2-9](http://links.jstor.org/sici?sici=0001-8392(197203)17:1<3-A1:3C1:3AAGCMOO>3E2.0.CO;3B2-9)
- Evans, L. (2003). Information literacy. Report 94. [online].
- Gorman, M. (2000). *Our enduring values: Librarianship in the 21th century*. Chicago: American Library Association.
- Jennex, M. E. (2005). *Case studies in knowledge management*. Hershey, PA: Idea Group Publishing, 2005.
- Nonaka, I., & Takeuchi, H. (1995). *The knowledge crating company _how Japanese companies create the dynamics of innovation*. Oxford: Oxford University Press.